

# دزدان موزی



## ۱ - سینما مدرسه دزدی :

اگر برخی واقعاً معترض باشند که سینما عامل مؤثر و مساعدی در برانگیختن افراد مخصوصاً جوانان در ارتکاب جرائم مختلف نیست معذالک هیچکس نمیتواند منکر این حقیقت شود که با آسوختن فنون و اسلوب دزدی پتماشاگران بالاخص بزهدکاران حرفه‌ای تشکیل دهنده یک مدرسه دزدی است . زیرا این افراد که آسادی ارتکاب جرائم را دارند بیشتر در خطر انحراف میباشند و اثرات صحنه‌های مختلف دزدی بیشتر در

آنان مؤثر واقع میشود . مشاهده فیلمهای پلیسی ، گانگستر بازی و باندهای مختلف بهترین راهنمای کودکان و جوانان ولگرد و حتی بزرگسالان است . فیلمهایی که نشان میدهد چگونه میتوان یک گاوصندوق را باز کرد ، یک قفل را کشود ، از یک دیوار بالا رفت ، از یک پنجره وارد شد ، یک شیشه را بدون سروصدا شکست ، یک دیوار را سوراخ نمود یا اینکه احتیاطهای لازم را چگونه باید رعایت کرد ، چه سان میتوان اسلوهیهای ضروری را با دقت هرچه تمامتر

# فیلم‌های سینمایی

نویسنده: دکتر رضا مظلومان استاد دانشگاه تهران

بهترین روشهای سرعت را فرا بگیرند. بارها پلیس در موارد مختلف باین واقعیت برخورد نموده که درست پس از گذشت یک هفته از نمایش فیلمی، روشهای بکار برده شده تعرض و دزدی بطور کامل مورد تقلید تبه‌کاران قرار گرفته است (۱)

شازال (۲) نیز برای اثبات واقعیت فوق مینویسد که هیچ‌کس نمیتواند متکر این حقیقت شود که سینما بخوبی قادر است تا بچوانان برخی فنون جنائی را بیاموزد. تماشاگر از سینما بخوبی فرا میگیرد که سیاهیست دستکش بدست کرد تا اثرات انگشت بجائی باقی نماند و همین پدیده می‌آموزد که چگونه باید سیمهای تلفن را قطع کرد تا باسانی و سادگی نقشه مورد نظر را عملی نمود همین جرم‌شناس بشرح حال جوانی می‌پردازد که برای غارت اموال یک منزل با دقت هرچه تمامتر ابتدا سیمهای تلفن را قطع کرده و امکان هرگونه ارتباط را از بین برده و بعد بچپاول پرداخته بود. این جوان سپس در بازپرسی اظهار میدارد که نحوه عمل را از سینما آموخته و تقلید کرده است (۳)

روژه (۴) مینویسد که پرونده‌های موجود

بکار برد تاموف شد و بالاخره به چه نحو میتوان فرار کرد، بهترین کلاس درس بزهکاری است که اثرات منحوس و شومش دیر یا زود نمایان میشود. زیرا این صحنه‌ها بهترین عامل آموزنده راهزنی و سرقت‌های مختلف و کلاهبرداریها و دستبردهای گوناگون میباشد که بسادگی تماشاگران آماده را بسوی دزدی و هتک حرز میراند.

بدون هیچگونه شک، بیشتر راهزنان، جیب‌برها و دزدان مختلف، سرعت‌های خود را با الهام از نحوه عمل و روشی که در فیلمها مشاهده میکنند مرتکب میشوند. بهمین جهت جرم‌شناسان بفتونی که در فیلمها برای دزدی آموخته میشود شدیداً حمله کرده‌اند.

فور (۱) در حالیکه فیلمهای پلیسی را سخت مورد انتقاد قرار میدهد، مینویسد که اینگونه فیلمها بخوبی میتوانند بهترین درس دزدی برای تماشاگران باشند (۲).

پولن (۳) در همین مورد اشاره میکند که فیلمهای پلیسی آفریننده راهزنان و گانگسترهای آینده‌اند (۴).

لوکار (۵) بنویسه خود در حالیکه روی همین موضوع تکیه میکند مینویسد که عده زیادی از بدکاران توانسته‌اند بوسیله سینما

در دادگاههای پاریس وحومه بخوبی بیان -  
کننده دزدیهای فراوانی است که توسط  
خردسالانی صورت گرفته است که تحت تأثیر  
فیلمهای مختلف مرتکب این نوع جرم  
شده‌اند. (۱۰)

مادام اودت فیلیپونی (۱۱) مینویسد که  
پنج کودک متعلق به خانواده‌های متمکن  
برای دزدی شیشه‌های مشروب داخل  
یک سالن‌گازینو میشوند. نتیجه بازپرسی  
که بوسیله پرسشنامه از پنج خانواده کودک‌ان  
مجرم صورت گرفت این بود که والدین سینما  
را تنها عامل اصلی رفتارهای جنائی فرزندان  
خود بشمار آوردند (۱۲).

نگاهی بسرقتهای سالهای اخیر در ایران  
نیز بخوبی نشان میدهد که سینما تاچه حد  
در افکار و اعمال جوانان و سایرین اثرات  
نامطلوب و منحوس داشته است. علت دستبرد  
بیانکها و مغازه‌ها بانقاب و هفت تیرودزدی  
یا کاسیون و سرقتهای جسورانه بسیاری دیگری  
را که اتفاق افتاده است باید بطور یقین در  
سینما جست، فیلمهای پلیسی و.... بهترین  
الهام بخشی بزهکاران در ارتکاب جرائم علیه  
اموال است زیرا نحوه عمل و فنون سرقت  
را بصورتی بسیار ساده بتماشگران میآموزد.

ذکر مثال ذیل تا حدودی این واقعیت  
را روشن میکند.  
روزنامه کیهان ضمن چاپ عکس درزیر  
عنوان «دزدی را از جیمزباند یادگرفته‌ام»  
مینویسد:

«جوانی باتهام سرقت اشیاء یک هتل  
در خرمشهر دستگیر شد. وی در بازجویی  
بمأموران گفت:

دزدی را از جیمزباند و هنرپیشه‌های  
خارجی یادگرفته‌ام و آرزو دارم روزی بتوانم  
بتردستی و زرنگی آنها دزدی کنم که گیر

نیفتم.

این جوان که حسین رحیم‌پور نام دارد  
چند روز قبل برای گرفتن اتاق یکی از  
هتل‌های خرمشهر رفت و خودش را دبیر  
دبیرستان معرفی کرد. حسین پس از چند  
ساعت هتل را ترک کرد و یکی از کارکنان  
هتل وقتی باتاقش رفت تا آن را مرتب کند  
مشاهده کرد فرشها و پتوهای اتاق بسرقت  
رفته است.

دبیر قلابی پس از چند روز دستگیر شد  
و در بازجویی بسرقتهای دیگری نیز اعتراف  
کرد. حسین در بازجویی مرتباً بمأموران  
میگفت من شخص محترمی هستم و توصیه  
میکرد که برایش احترام زیادی قائل شوند.  
وی همچنین میگفت که من بالاخره یک  
دزد معروف خواهم شد.\*

## ۲ - سینما مدرسه آدمکشی:

یکی از قسمتهای بسیار زیان بخش  
فیلمها که شدیداً مورد اعتراض و انتقاد قرار  
دارد صحنه‌های جنایات مختلفی است که  
بصورتی بسیار عادی مورد نمایش قرار  
میگیرد.

اینگونه صحنه‌ها باعث بیداری یک  
حس کنجکاوی خطرناک در نزد تماشاگران  
بالاخص کسانی که از نظر اخلاقی و روحی  
دچار عدم تعادل میباشند، میشود زیرا این  
افراد بعلم فقدان توانائی لازم برای مقاومت  
در برابر تحریکات یا درک حقیقت از غیر  
واقعیات و بی بردن بتصنعی بودن موضوعات  
ورویاداهای فیلم، بیشتر در معرض خطر  
انحراف قرار دارند.

وجود صحنه‌های گوناگون قتل و کشتار  
ضرب و جرح و تجاوز و خشونت بزرگترین  
لطمات رابروان چنین تماشاگرانی میزند.

مشاهده اینگونه صحنه‌ها زمانی تماشاگر را بطرف انحراف سوق می‌دهد که فنون آدم-کشی را نیز بیاموزد زیرا در این صورت برای افراد آماده، یک مدرسه واقعی آموزش نحوه دست زدن بآدم کشی است.

یکی دیگر از اثرات منحوس چنین صحنه‌هایی تلقین آدمکشی می‌باشد. بعبارت دیگر فیلم‌هایی که جنایات بزرگ و خون-ریزیها و قتلها را نشان می‌دهد در واقع از یک طرف تماشاگر تلقین میکند که بطرف خشونت‌گراییش پیدا نماید و از سوی دیگر نحوه خوب عمل کردن و فن ارتکاب رافرا بگیرد.

اسلوور<sup>(۱۳)</sup> معتقد است که توصیف کردن و شرح دادن جنایت، آسوختن جنایت است. (۱۴)

همانطور که اسلوور می‌گوید توصیفاتی که در اطراف یک جنایت صورت بگیرد بهترین درسی است که با افراد برای ارتکاب جنایات مختلف داده میشود. در این میان سینما که یکی از بزرگترین توصیف‌کنندگان جنایات است نقش بس بزرگی در انحراف تماشاگران ایفا میکند. بهمین جهت آنرا میتوان یک مدرسه جنایت نام داد که گاهی بوسیله تلقین و تحریک و زمانی بوسیله آموزش و نحوه عمل وریزه‌کاری‌های جنایات ارتکابی، تماشاگران را بطرف قتل و خون-ریزی سوق می‌دهد یا این‌گرایش را ایجاد می‌نماید.

دال<sup>(۱۵)</sup> نیز که با عقیده اسلوور موافق است بنویه خود اشاره میکند که اگر شرح این سوء قصدهای مختلف و این عملیات گوناگون جنائی بیک مدرسه واقعی جنایت تشبیه نشود واقعاً باچه چیز میتوان مقایسه

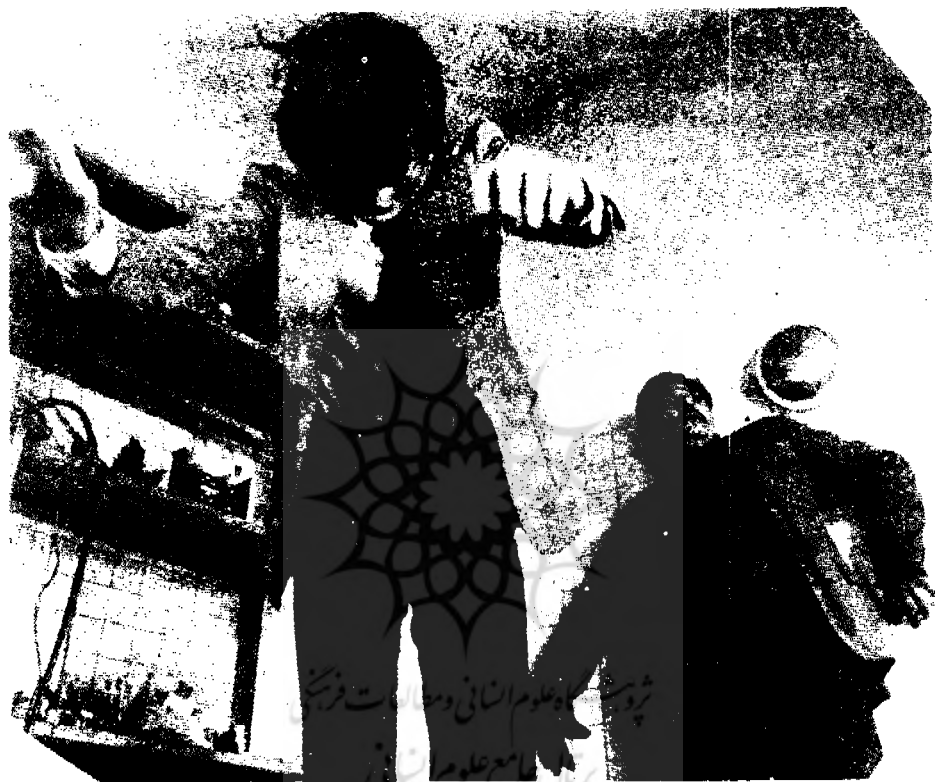
کرد؟ این واقعیت اگر در مورد کلیه تماشاگران صادق نباشد لااقل میتوان اعتراف کرد که برخی از دختران و پسران را در برمیگیرد<sup>(۱۶)</sup>. روزه باید بینسی هر چه تمام تر علت برخی اعمال جنائی را بسینما نسبت می‌دهد و می‌نویسد که این پدیده غالباً آفریننده فلان و فلان تعرض و خشونت است. او بعنوان مثال ذکر میکند که دو جوان تحت تأثیر و تلقین فیلمی که شب قبل دیده بود، والدین خود را مورد حمله قرار دادند و شدیداً مضروب نمودند (۱۷).

مادام اودت فیلیپون نیز در حالیکه این مشکل بزرگ را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل خود قرار می‌دهد می‌نویسد که پسر بچه ۱۰ ساله‌ای در موقع خروج از سینما، روی مادر میکند و می‌گوید:

- بسیار خوب، حالا بخوبی میدانم که چگونه میتوان ترا کشت (۱۸). برای اثبات بیشتر واقعیت فوق، ذکر چند مثال دیگر بی‌مناسبت نیست.

پسر بچه ۱۵ ساله‌ای که در قاهره یکی از والدین خود را شدیداً مضروب کرده و حال وخیمی برای او ایجاد نموده بود به پلیس اعتراف میکند که این عمل را بعلت خشم و عصبانیت یا نفرت و کینه یا دزدی انجام نداده بلکه خواسته است صحنه‌ای را که در فیلم مشاهده نموده است عمل نماید. (۱۹)

مادام اودت فیلیپون می‌نویسد که دو پسر بچه ۱۲ - ۱۳ ساله پس از مشاهده فیلمی جنگی، بایکدیگر شروع بی‌بازی میکنند. یکی از آن دو تفنگ پدر خود را بر میدارد و سینه رفیقش را هدف قرار می‌دهد و او را میکشد. سپس او را دفن میکند و با آرامش خاطر کامل بمنزل برمیگردد. پس از کشف



قرار میدهد و او را شدیداً مجروح میکند<sup>(۲۱)</sup>.  
 اویری (۲۲) در کتاب خود موسوم به  
 «واگیری آدمکشی» مینویسد که مستخدم  
 جوانی که بیش از ۱۰ سال نداشت تحت تأثیر  
 فیلمی که مشاهده کرده بود اقدام به مسموم  
 کردن کلیه افراد خانواده ارباب خود مینماید<sup>(۲۳)</sup>.  
 ذکر چند مثال از وقایعی که در ایران  
 تحت تأثیر سینما رخ داده است نیز بی‌مناسبت  
 نمیشد.

روزنامه اطلاعات مینویسد که پسر جوانی  
 که در داروخانه‌ای کار میکرد دختر جوانی

جنایت و لپی بردن به‌هویت قاتل، همه مردم  
 از این امر متعصب میشوند زیرا قاتل پسری  
 بی‌نهایت آرام، فرمانبردار، فعال و دوست  
 داشتنی بود و پدر و مادرش همیشه او را مورد  
 تعریف و تمجید قرار میدادند بهمین جهت  
 هیچ‌کس نمیتوانست به پذیرد که این  
 جنایت بوسیله او صورت گرفته است<sup>(۲۴)</sup>.

نویسنده فوق بذکر مثال دیگری از  
 پسر بچه ۱۶ ساله‌ای نیز می‌پردازد که با  
 الهام گرفتن از فیلمی، چماقی از شن و پارچه  
 می‌سازد و یک راننده تاکسی را مورد حمله

بعمل کند .

قتل دختر جوان بلست شاگردداروخانه که در فوق بان اشاره شده می‌تواند یک مثال زنده‌ازاین واقعیت باشد .

در همین زمینه دکتر دوگریف (۲۴) می‌نویسد که چنین فیلم‌هایی مخصوصاً خطرات بسیار بزرگی برای جوانان ایجاد می‌کند ولی در هر حال هر فرد بالغی هم که دچار مشکلات مشابهی باشد که در داستان فیلم پچشمش می‌خورد می‌کوشد تا بهمان صورتی‌که قهرمان فیلم عمل می‌نماید اقدام کند (۲۵).

برخی از محققان معتقدند که پایان فیلم‌ها همیشه نتایج اخلاقی دارد و باعث هدایت کامل تماشاگران براه راست می‌شود . گرچه این امر مورد اعتراض جرم‌شناسان است زیرا نظر دارند که چند متر نتیجه اخلاقی پایان فیلم نمی‌تواند تأثیر کیلو مترها مخنه‌های زیان‌بخش را نابود سازد ، ولی ضمناً باید اضافه نمود که علیرغم نظر دسته اول کلیه فیلم‌ها نه تنها دارای پایانی اخلاقی و هدایت‌کننده نمی‌باشد بلکه گاهی بصورتی بسیار گمراه‌کننده تمام می‌شود بطوریکه تماشاگر تنها نتیجه‌ای را که می‌تواند بدست آورد آموختن درس غارتگری ، چپاول، قتل و آدم‌کشی است .

بعنوان مثال می‌توان فیلم « استخر » را که « آلن دلون » قهرمان آن بود ذکر کرد . در این فیلم آلن دلون رقیب خود را بوضع وحشتناکی در استخر خفه می‌کند و کلیه اثراتی را که ممکن بود بگرفتاریش کمک‌کند از میان می‌برد و تا آخر فیلم پلیس را بتمسخر می‌گیرد و ریشخند می‌کند و بالاخره بدون آنکه قاتل که آزادانه و دوراز هرگونه تشویش خیال و ناراحتی خاطر بخوشگذرانی با معشوقه ادامه می‌دهد گرفتار شود فیلم پایان می‌یابد .

را بضر بگلوله از پای در می‌آورد . این پسر جوان در دادگاه ضمن اعتراف بقتل اظهار می‌دارد که با مقتول دوست بوده و با وی نهایت علاقه داشته است ولی روز قبل از حادثه، دختر باوسردی نشان داده و او را ترک کرده است . بهمین جهت این عمل باعث ناراحتی شدید او شده بطوریکه تصمیم گرفته است که دختر را بقتل برساند .

موضوع قابل توجه آن است که قاتل انگیزه قتل را بدین نحو شرح می‌دهد که بعلت علاقه و دل‌بستگی شدیدی که به فیلم‌های وسترن داشته و همیشه می‌کوشیده است تا تمام اینگونه فیلم‌ها را مشاهده نماید . روزیکه دختر او را ترک می‌کنند شدیداً عصبانی می‌شود و تحت تأثیر این فیلم‌ها که طریقه آدم‌کشی را باو آموخته بودند بدون آنکه تردیدی بخود راه دهد بتهیه هفت تیر می‌پردازد و یکسره بسراغ دختر می‌رود و او را می‌کشد (\*).

مثالهای فوق ، شاهد قوی است که بخوبی اثر سینما را بر اعمال جنایت‌کارانه نشان می‌دهد . نکته مهم آن است که گاهی فیلم موضوعی را نمایش می‌دهد که از هر جهت باوضع تماشاگر مطابقت می‌نماید . در این مرحله محققاً فیلم نقش بسیار خطرناکی را بازی می‌کند زیرا قریب بی‌یقین ، تماشاگر را بسوی بزهکاری سوق می‌دهد . مثلاً افرادی که از وضع زندگانی خود رضایت ندارند یا ناراحتی‌های مختلفی از نظر خانوادگی ، عاطفی ، شغلی عشقی و غیره برایشان بوجود آمده یا اختلافاتی باعث رنجش آنها شده است ، یا . . . . اگر فیلمی را مشاهده نمایند که بیان‌کننده وضع آنان باشد و راه حل را نیز نشان بدهد احتمال فراوان می‌رود که آنها را تحت تأثیر قرار دهد و بهمان صورتی که می‌آورد آنان را وادار

درسی که این فیلم بتماشگران میدهد آن است که رقیب را میتوان نابود کرد و معشوقه را از دست او نجات داد و بخوبی و خوشی از چنگ پلیس و قانون گریخت و بزندگی آرام و دور از هرگونه دغدغه خاطر از قتل ارتكابی ادامه داد. ضمن آنکه بخوبی طریقه آدمکشی و رعایت احتیاطهای لازم را نیز میآسوزد.

شکی نیست که چنین فیلمی جز یک مکتب جنایت نام دیگری ندارد.

### ۳- سینما مدرسه انحراف اخلاقی

یکی از موضوعات قابل اذعان آن است که سینما هیچگاه بالاخص در سالهای اخیر از نشان دادن صحنه های جنسی که بیشتر اوقات توأم با جزئیات کامل میباشد خودداری نوزیاده است. کارگردانها و صاحبان صنایع، عرضه کردن صحنه های جنسی را یکی از طرق اساسی جلب نظر تماشاگر میدانند. بهمین جهت روز بروز بیشتر بنمایش دادن جزئیات توجه میکنند.

لودوگا (۲۶) مینویسد که فیلم حتی در مواردی که باید واقعاً غیر جنسی و دوراز هرگونه صحنه های محرک باشد باز بطورفراوان میتوان در آن قطعه هائی یافت که به هیچ وجه رعایت این امرنشده است. مثلاً ژاندارک و فیلمهائی نظیر آن مطلقاً نباید نظر تماشاگر را بجنبه های جنسی جلب نماید طوری ساخته شده که این موضوع اصلاً سراعات نشده است. مثلاً در فیلم ژاندارک، هنر پیشه ای که این نقش را بعهده دارد پستان بندش را آن چنان بسته است که بصورتی بسیارتحریک - آمیز سینه هایش برجسته و نمایان میباشد. (۲۷)

باتوجه باین امر کاملاً روشن میشود که «فیلم و سکس» کاملاً بیکدیگر مرتبط است و هیچ نویسنده، کارگردان و تهیه کننده ای

از نشان دادن «سکس» در فیلم صرفنظر نمیکند. فیلمهائی که در سالهای اخیر بیرونی پرده سینماها بنمایش درآمده است رعایت هیچ اسری را در مسائل جنسی نکرده و حتی خصوصی - ترین مراحل روابط را کاملاً بی پرده نشان داده است.

صحنه هائی که زن و مرد بیکدیگر را بسختی و بتنگی در بغل میگیرند و سرو صورت و مخصوصاً لبهای همدیگر را بصورتی شهوت - انگیز، محرک و تهیج کننده ای میبوسند و یا مرد تمام بدن زن را دست میکشد و مورد نوازش قرار میدهد و در حالی که از سرتاپا غرق درسیل و شهوت است بوسه باران میکند یا بتدریج لباس زن را از تنش خارج میکند و ارگانهای او را لخت بمعرض نمایش درمیآورد و بعد تنگ درآغوش میگیرد و بروی تخت خواب می غلتند . . . . . تا اعماق روح و روان تماشاگران نفوذ میکند و هرگونه قدرت و اراده را از آنان سلب مینماید. اینگونه صحنه ها بزرگترین عامل انحرافات افراد بالاخص کسانی است که در محرومیت جنسی بسر میبرند و امکان برآوردن خواسته های طبیعی خود را ندارند.

لودوگا مینویسد که در اینگونه فیلمها که عابدأ و عالماً چنین صحنه هائی ساخته میشود تا غرایز و خواسته های جنسی تماشاگران را تحریک نماید، دهانهای که برای بوسیدن باز میشوند مانند کرکسهای گرسنه ای هستند که طعمه ای را محکم بمقتار بگیرند و روان کنند زن ارگانهای خود را باکمال میل در اختیار مرد میگذازد و مرد تا اجرای خصوصی ترین مرحله که جز در خلوت صورت نمیگیرد پیش میرود. اینگونه صحنه ها بزرگترین خطرات را برای تماشاگران مخصوصاً کودکان و نوجوانان دارد (۲۸).



گاهی برخی فیلمهاگاسی فراتر میگذارد و از مرحله بوس و کنارو معاشقه در میگذرد یعنی اتاق خواب زن و سردی را نشان میدهد که هر یک بآرایی لباسهای خود را درمی آورند و برختخواب میروند و سپس فیلم آنچه را که در رختخواب میگذرد بصورتی وقیحانه با جزئی ترین حرکات بنمایش در میآورد .  
 فور سینویسد که نمایش افتادن بدن سرد بروی زن بتجوی که در حالت عادی صورت میگیرد ، مستقیماً بروح و روان تماشاگر اثر میگذارد و تا اعماق مغز او نفوذ میکند و باعث واکنشهای شدید میشود (۲۹).

بعنوان مثال سیتوان نامه جوانی را ذکر کرد که از پدرش شکایت میکند که علیرغم داشتن هفت فرزند و بیش از نیم قرن عمر ، باز شدیداً بفیلمهای جنسی علاقمند است و هرشب باعشق هنر پیشه ها می خوابد و صبحها باعشق آنها از خواب بیدار میشود (\*).

زمانیکه در اثر مشاهده فیلمهای جنسی مردی متأهل و مسن و معیبل چنین گرایشی بیاید و خواسته ها و امیالش تا این حد زیاد باشد محققاً اینگونه فیلمها حس جنسی را در نزد کودکان و نوجوانان بطور زودرس بیدار میکند و جوانان و مردان مجرد را بسوی تجاوزات جنسی ، و انحرافات گوناگون میراند .

مارتی (۳۰) سینویسد که هیچ روانشناس و محقق جدی نمیتواند منکر این حقیقت شود که سینما بصورتی که وجود دارد تب شدید جنسی را بطور وحشتناکی در نسل جوان پدید میآورد و در افکار آنان چنان اغتشاشی ایجاد میکند که باعث نابودی تمام نیروی آنان میشود (۳۱).

هنگامیکه تماشاگر اعمال جنسی و حرکات مختلف مردوزن را می بیند و بدن لخت زن یا ارگانهای عریان شهوت انگیزش را که مرد

وحشیانه در بر میگیرد مشاهده میکنند محققاً تحت تأثیر قرار میگیرند و شدیداً تحریک میشوند و بسبب جنسی اش بغلیان درمی آید بطوریکه برای ارضاء آن ممکن است بهر عملی حتی زور و عنف و حتی زنا با محارم دست بزند زیرا چنین فیلم هائی کلیه ارزشهای اخلاقی را بنابودی میکشاند و بدینوسیله بزرگترین سلاح فرد را از کفش میگیرد و بالتتیجه او را بسوی انحراف و تجاوز میراند .

بقیه در صفحه ۲۶



# بدا موزی های فیلم های سینمایی

هم خودداری نکرده است .

برخی فیلمها عملا افراد را بسوی انحرافات جنسی سیکشاند وانحطاط اخلاقی ایجاد میکنند زیرا بانمایش برخی انحرافات چنین سیلی را شدیداً در تماشاگران بوجود میآورد . مثلاً فیلمهایی که سیل بهم جنسی را تلقین وترغیب میکنند نمونه ای از آنها است .

برخی فیلمهای دیگر بانیکو جلوه دادن بعضی اعمال بکلی ارزشهای اخلاقی را درنزد تماشاگران از بین میبرد وزشتی وقیح عملی را که حتی ممکن است قبل از مشاهده فیلم قادر بتصور آن هم نبودند نابود میسازد . مثلاً دریک فیلمی که فرانسوی بود بوضوح تلقین میکرد که زنا با نامادری اسری عادی است زیرا تمام داستان دراطراف پسریمیچرخید

که نامادری عاشق اوست وپسر هم باو علاقه دارد . بهمین جهت اززناکردن خودداری نمیکند . جالب آنست که این فیلم کلیه عملیات نزدیکی آن دورا از طریق یک آینه مقعر نشان میداد . فیلم دیگری بنام « خدازن را آفرید » نیز نزدیکی بین زن برادر با برادرشوهر را بنمایش در آورده واسری بسیار عادی جلوه گر ساخته بود .

نمونه چنین فیلمهای زیان بخشی که اثرات نامطلوبشان کاملاً روشن است روز بروز فزونتر میشود وبالتجیه فساد وتباهی اخلاقی را هر لحظه بیشتر افزایش وگسترش میدهد وباعث سقوط تماشاگران وسایرین می شود .

لودوگا ضمن حمله به فیلمهای جنسی سینویسد که مناظر مختلف جنسی که در فیلمها بنمایش درمیآید باعث میشود که هر تماشاگری بر حسب ذوق ، انتخاب ، ظرفیت ، خواسته ومیل خود بقسمتی جلب شود وسرآیا در آن فرو برود .

برای اثبات این امر وتحریکات روانی و حتی جسمانی که در تماشاگران بوجود میآید کافی است که بمردمک چشم آنان دقت شود زیرا بخوبی مشاهده میشود که چگونه تمام وجودشان در صحنه مورد نظر فرو شده است . لودوگا میافزاید که اگر چه برای تماشاگران که از طبقات مختلف ، زن ، مرد ، جوان ، مسن تشکیل میشوند ، از زمان جوانی تا سر حله پیری درجه وحدتحریکی که فیلم ایجاد میکند متفاوت است ولی دراصل یکی است زیرا کم یابیش بهر حال همه را تحت تأثیر قرار میدهد (۳۲) در سالهای اخیر ، قسمت اعظم فیلمها مربوط به مسائل جنسی ، عشق بازی های بی انتها ، خم شدن بدنها بروی یکدیگر ، دستمالیها ، . . . . است ، یعنی در واقع فیلمی وجود ندارد که دارای صحنه های محرک جنسی نباشد .

گاهی در برخی از فیلمها تنها بشان دادن عشق بازیها دستمالیها اکتفا نمیشود بلکه کلیه عملیات جنسی مورد نمایش قرار میگیرد . مثلاً فیلمهایی بنام « باربارا وسرخ وسیاه (با اثر اسکاندال اشتباه نشود) اسونوئل - آخرین تانگو» . . . حتی از نشان دادن کوچکترین جزئیات



شازال سینتوید وجود تاریکی در سالن سینما که توأم با مشاهده صحنه های گوناگون است بوجود آورنده حالات زشت و رکیک و غیر اخلاقی میشود و زمینه برخی روابط را بسرعت فراهم میآورد بعضی از دخترها از طریق مشاهده آنگونه فیلمها در راه ولگردی و روسپیگری قرار گرفته و برخی از بسرها بسوی هم جنس گرایی گام برداشته و در انحطاط اخلاقی سقوط کرده اند (۳۳)

شازال بعنوان مثال ذکر میکند که دختر جوانی با مشاهده فیلمی آنچنان تحت تأثیر قرار میگیرد که مصمم می شود خانه و خانواده را رها سازد و بیاریس برود . او در نتیجه چنین تصمیمی بطرف پاریس حرکت می کند اوسپس در نتیجه ماجرائی که برای او رخ میدهد بعلت ولگردی دستگیر میشود . (۳۴) . روزنامه اطلاعات زیر عنوان « ناگهان

سالن سینما میدان نبرد شد » مینویسد . \*  
- مقصود خون جگری این هفته در سینمای آریای تبریز خون جگر شد . ماجرای این واقعه جالب از این قرار است :

شیرین که کارمند یکی از ادارات دولتی است اوایل شب به همراه شوهرش به سینمای آریا رفت تا خستگی یک هفته کار را از تن بدور کند . فیلم صحنه های عاشقانه زیادی داشت تا جائیکه زن و شوهر در رؤیا فرو شده و از اطراف خود غافل بودند . ناگهان شیرین حس کرد که جوانی که در ردیف عقب نشسته خم شده و در گوش او زمزمه عاشقانه را آغاز کرده است . شیرین چند لحظه ای صبر کرد اما جوان مزاحم دست بردار نبود و شیرین کم کم نفسهای او را روی موهای خود حس کرد .

شیرین طاقت نیاورد و موضوع را با شوهرش در میان گذاشت و شوهر شیرین در تاریکی از جوان مزاحم که مقصود خون جگری

نام داشت خواست تا مؤدب تر بنشیند و مزاحم نشود . اما خون جگری که معلوم نبود از کجا جگرش خون است بنای داد و بیداد را گذاشت و یک سیلی محکم به صورت شیرین نواخت .

در اینجا دیگر شوهر شیرین طاقت نیاورد و بسوی خون جگری هجوم برد و او را زیر کتک گرفت . دوستان مقصود هم به کمک او آمدند و به یکباره سالن سینما تبدیل بیک میدان جنگ شد تا جائیکه صاحب سینما دستورداد نمایش فیلم قطع شود .

باروشن شدن چراغها مأمورین پلیس به داخل سالن آمده و سناز عین را به کلابتری بردند . در کلابتری مقصود می گفت .

من تحت تأثیر صحنه های عاشقانه فیلم قرار گرفته بودم و نمیدانستم چه میکنم اما شوهر شیرین با کبود کردن چشم من مرا خون جگر کرد و از حظ بصری محروم ساخت .

پرونده ای در این مورد تشکیل شد و به کلابتری فرستاده شد تا تکلیف خون جگری مزاحم معلوم شود .

(\*) اطلاعات جوانان، ص ۳ - شماره ۱۰۱ - ۱۳۴۵  
\* - اطلاعات - دوشنبه ۴ تیر ماه ۱۳۵۲ -  
صفحه ۱۴ شماره ۱۴۱۳۴

(\*) روزنامه کیهان - چهارشنبه ۲۷ آبانماه  
۱۳۴۹ شماره ۸۲۰۲ صفحه ۱۲  
(۴) اطلاعات روزانه، ص ۱۵ - شماره ۱۲۲۸۶

1-2- Faure, "Influence du film cinématographique sur l'état psychologique du spectateur". Revue de science criminelle et de droit pénal comparé. P. 59

3- Poulain

4- Morin, "L'homme imaginaire". P.8

5- Locard

6- Ibid. P.8

7-8 Chazalé "le cinéma et la délinquance juvénile". P. 220

9-10- Roger, "Le cinéma et l'enfant". P.44

11-19- Philippon (O), "La jeunesse coupable vous accues". P. 276.

13- Sloover

14- Geniazre (G), "Du danger cinématographique au point de vue de la démoralisation".  
P. 23

15- Dal (E)

16- Glucksmann (A), "Rapport sur les recherches concernant les effets sur la jeunesse des scènes de violence au cinéma et à la télévision". Communications. N° 7 1966.

17- Roger, Ouv. Cit. P. 45

18- Philippon, Ouv. Cit. P.276

19- Kamel, "La jeunesse délinquante". P. 58

20- Philippon, Ouv. Cit. P. 276

21- Ibid. P. 276

22- Aubry

23- Junosza-Zdrojenwski, "Le crime et la presse". P. 240

24-25- Dr de Greeff, "Introduction a la criminologie" P. 65

26-27- Lo Duca, "L'érotisme au cinéma". P. 185

28- Ibid. P. 186

29- Faure, Ouv. Cit. P. 20

30- DrMarty

31- Roger, Ouv. Cit. P. 20

32- LoDuca, Ouv. Cit. P. 181

33- Chazal, Ouv. CIT; P. 86

34- Ibid. P. 90